



سیمه هفتی طنز راه راه

سیمه‌های پنجشنبه‌ها در راه راه



ابوالفضل سلیمیانی

فاطمه غنی

بهزاد توفیق فر

ق‌قدم خیرها

از یک ذی‌بغع به روزگاران ملت

شندیدم گفتند به اروپا برای عمل به وعده هایش شک داریم، و اما بعد، فی الحقیقه تاکنون ما بدهدنی ای از جانب‌ایشان ندیدیم.
امضای آنها حکم سبیل بزرگ پدری اوبی بنده را داشت، شک در قطعیت عمل به وعده هایشان راه نمی‌یابد، رابطه با فرنگی‌ها هر چه بوده همه خیر و برکت و رشد برای مملکت به ارمان آورده، هر جا که قدم گذاشتند، اینجا را ایساده کردند، همین صنعت نفت که آنان باعث و بانی اکتشاف و استخراجش شدند، خدایشان خیر دهاده، ما که آن زمان حالی‌مان نمی‌شد نفت چیست؟ این ماده بدبو و اشتعال‌زا را از دسترس‌مان دور کرده، بعد که یادگرفتیم، امانت را پس‌مان دادند (حالا کمی دیر با زود)، صنعت هسته‌ای را چرا نمی‌گویی که ممکن بوده به سمت آزمایش‌های خانک‌پاک برود، را کنترل کرده و ازمان قول گرفتند دست به هیچ چیز نزنیم و فقط تحقیق‌های میدانی کنیم، بعد همه سورخ شنه های اضافی را با بتن پر کردند که مینا کسی پایش نیوی آن گیر کنده آخرش هم همه اش با ازآسی می آیند و بهمان سسر می‌زنند، فکر کنیم کزایه آمد و دشمنان خیلی زیاد میشد.
FATF و مبارزه با پولشویی هم که از آخرین الطافشان به ما بود، برای تطهیر هر چه پیشتر اموالمان، خدایی همه این پیشرفت های لا تُفَعَد و لا تُحْمی را امینون قدم های مبارک اکتیسیم، حال چه شده که شک به دل شریفشان افتاده را نمی‌دانیم، حیف از شما که می‌توانید اوقاتتان را صرف مکتلسی‌های حرفه‌ای و شعرخوانی و وعده شام کاری کنید، اما با این قبیل موارد خاطر‌تان را می‌آزاید، قدر دقایقتان را بپندید که حکم طلا را داشته و موثر در تعیین سرنوشت یک ملت است، بنا‌ت‌علی‌ها پیشینه‌های بنم‌بگذمفی‌ها را کنار گذاشته و اعتماد کردید بوی بی‌کارتی، فی الحال اعتماد می‌تواند تنها داریی مان باشد، الا این یک نفره را از دست ندهید.

حقتان محفوظ

امضا

گزارش کوتاهی از دستاوردهای دولت طی ۵ سال گذشته

پولشویی بانرخ مصوب

خواست بدهند، بخش صنعت، معدن و تجارت؛ یعنی چنان رونقی به بخش صنعت کشور وارد کرده که از آن طرف سازمان تجارت جهانی زده است. بیرون به جان عزیزان ما همین چشمه‌ایمان دیدلیم که می‌گویم. سررکنهایی که تا دیربوز – یعنی قبل از ۵ سال قبل – و به رغم تحریمها، یکی شیفت و بعضاً دوشیفت کار می‌کردند و عرق می‌ریختند، تعطیل شدند و کارگران برای گذراندن

دوره اوقات فراغت به حومه پساک محله اعزام شدند. مثال تازه و نزدیک همین نیشکرهفت‌تپه خوزستان که سال ۹۴ حدود ۵۴۰۰ خانواده سر سفرایش بودند!۱۰ معادن کشور ولی هنوز مشغول کار هستند، با یک فرق! آن‌هم اینکه هرچه صنایع تبدیلی می‌بصرس و آخ و تقم این وسط بوده را برداشتند، و آنچه از معدن برمی‌آوردن همانطور پاک و پاکیزه می‌فرستند. برود عاخرج تا کارگران خارجی دستپایشان معدنی شود، و آنها را تبدیل به چیزهای فشنگ فشنگ کنند، بر گردد ایران!صنعت هم که تیزی به گفتن ندارد و اقلب شما در جزیان رشد و توسعه و گسترش و زیادشدن و خیلی چیزهای دیگر شدن صنعت در این ۵ سال دولت تدبیر و امید هستند.

نینسیت

رفاه اجتماعی(استیضاح شده) و رییس‌کل بانک مرکزی(مستعفی – منوع الخروج) به بهترین شکل ممکن انجام و موجب شد تا اقتصاد ایران چنان- ولسن کن مثلا نرخ تورم نقطه به نقطه و خط به خط و جا به جا هم‌عاشش یکپویی افتاد پایین و به نسبت همه کشورهای غرب افریقا و شمال شرقی آسیکا، به مقدار قابل توجهی کاهش یافت، باور نمی‌کنید؟! ای بابا چرا؟ از دیگر حرکنهای چشمگیری اقتصادی در این هسال برابری ارزش پول ملی با واحد بین‌المللی می‌زنند، فکر کنیم کزایه آمد و دشمنان خیلی زیاد میشد. FATF و مبارزه با پولشویی هم که از آخرین الطافشان به ما بود، برای تطهیر هر چه پیشتر اموالمان، خدایی همه این پیشرفت های لا تُفَعَد و لا تُحْمی را امینون قدم های مبارک اکتیسیم، حال چه شده که شک به دل شریفشان افتاده را نمی‌دانیم، حیف از شما که می‌توانید اوقاتتان را صرف مکتلسی‌های حرفه‌ای و شعرخوانی و وعده شام کاری کنید، اما با این قبیل موارد خاطر‌تان را می‌آزاید، قدر دقایقتان را بپندید که حکم طلا را داشته و موثر در تعیین سرنوشت یک ملت است، بنا‌ت‌علی‌ها پیشینه‌های بنم‌بگذمفی‌ها را کنار گذاشته و اعتماد کردید بوی بی‌کارتی، فی الحال اعتماد می‌تواند تنها داریی مان باشد، الا این یک نفره را از دست ندهید.

ریحانه سلطانی

فاطمه سادات رضوی علوی

آنتونی زمانهات را بشناس

انگوهان شخصیتی مناسب نوجوانان

شاید برخی مسوولان فعلی و بعدی انگوهای درستی برای مدیریت و حتی خطایابی‌نباشند اما حتما انگوهای خوبی برای رفع اختلافات شخصیتی نوجوانان هستند که در ادامه به چگونگی انگو بودن آنها می‌پردازیم:

افراد دارای وسواس حرفی:

اگر هنگام صحبت کردن در جمع، حرفتان را از پانصد و هشتاد و شش جهت آوایی، جیبی و معنایی بررسی می‌کنید و دست آخر از گفتنش پشیمان می‌شوید، انگوی مناسب شخصیت شما فاضلی‌زاده هاشمی‌است.

- خوردن تخم کفتر به روند درمان شما کمک می‌کند.

افراد دارای وسواس عقلی:

اگر معمولاً خود را در تمامی حوادث مثل ۱۱ سپتامبر، آتش‌سوزی کالیفرنیا و حتی جابه‌جایی شیر سرد و گرم توالف ایرانی بعد از کلی عشق و عاشقی به یاد می‌آورید، این موضوع مهم می‌رسیم و این نشان می‌دهد گرفتن مجوز برای تولید سریال خیلی هم کار سختی نیست و باز هم باید از کارگران این سریال تشکر کرد که توانست عمق فاجعه را با این سرعت و قدرت نشان دهد.

خُب دیدگه به این دولت رأی دادید! ما در ادامه همین رونق تحریم‌های جدید، چیزهای جیبیی را مسورد تحریم فرار داده است به گونه‌ای که زینام لال برخی گمان کرده‌اند که ترامپ و پمپئو سوتونی داده‌اند. از جمله این تحریمها می‌توان به بانک ناموجود تات، شانور سانچی و یک شرکت صادرات گیاهان دارویی علی‌الخصوص شیرین بیان اشاره کرد! یادمان باشد شما عرض کنم که باز هم از این تحریم‌ها می‌گردیم و همه این تحریم‌ها به شکل فلج‌کننده‌ای روی ایران اثر دارد، می‌رسید چه طوره؟ عرض می‌کنم.

اول اینکه وقتی کشتی سانچی تحریم می‌شود همه قطعات آن حتی لنگرش را هم شامل می‌شود. بعد هم اینکه همه دنیا می‌دانند که شنور سانچی به صورت کامل عرق نشده، باید جعبه سیاه آن نجات پیدا کرده است، ای‌تا تا به حال از خود پرسیدهاید چرا جعبه سیاه سانچی خوانده نمی‌شود؟ برای اینکه ایران داخل آن را با نفت پسر می‌کند و در پوشش جعبه سیاه آن را به کشورهای مختلف می‌فرستد، کشورها هم نفت را می‌دارند و به جای آن دلار پول نفت را می‌گذارند داخلش و به ایران پس

شاهرخ باورایی از لنگر تا کنگر

حتما شما هم مطلع شدیدید که امریکا در جریان اعمال تحریم‌های جدید، چیزهای جیبیی را مسورد تحریم فرار داده است به گونه‌ای که زینام لال برخی گمان کرده‌اند که ترامپ و پمپئو سوتونی داده‌اند. از جمله این تحریمها می‌توان به بانک ناموجود تات، شانور سانچی و یک شرکت صادرات گیاهان دارویی علی‌الخصوص شیرین بیان اشاره کرد! یادمان باشد شما عرض کنم که باز هم از این تحریم‌ها می‌گردیم و همه این تحریم‌ها به شکل فلج‌کننده‌ای روی ایران اثر دارد، می‌رسید چه طوره؟ عرض می‌کنم.

اول اینکه وقتی کشتی سانچی تحریم می‌شود همه قطعات آن حتی لنگرش را هم شامل می‌شود. بعد هم اینکه همه دنیا می‌دانند که شنور سانچی به صورت کامل عرق نشده، باید جعبه سیاه آن نجات پیدا کرده است، ای‌تا تا به حال از خود پرسیدهاید چرا جعبه سیاه سانچی خوانده نمی‌شود؟ برای اینکه ایران داخل آن را با نفت پسر می‌کند و در پوشش جعبه سیاه آن را به کشورهای مختلف می‌فرستد، کشورها هم نفت را می‌دارند و به جای آن پول نفت را می‌گذارند داخلش و به ایران پس



شادی سعگری

کتاب وسط گوش‌شکی!

برای خرید کتاب هزینه کردید کی بود؟ آخ- تازه داشتیم فراموشش می‌کردم! +چی رو؟ چی شده مگه؟ -کاش باقم می‌شکست، پورسب! +خُب؟ پریشم چه اتفاقی افتاد؟! -هیچی دیگه پریشب با دخترم رفتیم چنتا کتاب خریدم برات!

+به به چه پدر فرهیخته‌ای! -اینکه عالیها، عالیها؟! هفت هشتت کتابت خرید می‌شده موضوعش که دیگه اصلا بلد نیست ولی خُب پادمه تصویرای قشنگی توش داشت!
+آها! هُجد خوب، چند روز پیش خوندیدش؟
-من ماشین حساب هم‌راهم نیست، زحمت میشه شما حساب کنید؟!
+بله خواهش می‌کنم، فقط چی رو حساب کنم؟

حساب میکسم، بنارشد دقیق یادم بیداد... آها گمونم شیش سال پیش بود داشتیم از دانشگاه برمیگشتم خونه، یوتی متورو به دختر بچه بغل دستم نشسته بود داشت کتابت داستان می‌خواند، بنه نگاهش بی‌انداختم!
+میکند شما! ننگدقتی چی رو حساب کنی؟
-نا! اوقات فراغت گاهی لا‌نه‌ای بازی کردن با گوشه‌ها وجود میاد، دیگه که غذا می‌خورم و می‌خوریم و از این کار...
+آهان! شده مثلا سه روز به جای کار با گوشه کتاب بخونید؟
-کتاب؟! نا! نگاهی وقتی دارم با گوشه کار می‌کنم! آهنگم گوش میدم!



ضمیمه طنز راه راه

کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی



امیر حسین کمال زارع

ساس شناسی

از تخت و لباس و تشکم که شده «سلی» افتاده به جان من بیچاره هراسی

زین قصه چه باید بکنم؟ هاتنز بگویم؟ یا گریه کنم یا دوسه تا شعر مرثئی از روی کُثم خورده تا برسد زیر از مرحمتش بر تتمان نیست لباسی

باید بروم در طلب چاره «کاری»
باید بروم در بی یک فکر اساسی

سَمَ قَفَری لایق این مودی پست است
یک روز زوم بر جگرش تیر خلاصی

باید بروم باز کنم باب مهمی
در مسافه «ساس شناسی»

در حوزه و دانشگاه و در مدرسه باید
حتما بگذارند در این باب کلاسی

هم ماده و هم تر، همگی تخم گذارند
از پنج عدد هستی ای بیست ای سی

بگذار که یک بیت بگویم که بچسبد
شه بیثی از این سأسله در بحث سیاسی

در جامعه هر بی شرقی سلس مآب است
غیر از ضررش نیست دگر سود و خواصی

سحر فتعی

همسایه لاکچری

دوره و زمانه بدی شده، قدیم‌ها مستاجرها فقیر بساز بودند که با لباس سفید مستاجر می‌شدند و با لباس سفید هم عقابت صاحبخانه.
آن از ۳۰ متر زمین با کلی هزینه و بکیر و بند شهرداری یک واحد ۶۰ متری درمی‌آوری با امکانات فول بورد... پلان را هم می‌کنی و دهی دست مستاجر و جوی خواب هر نفر رو مشخص می‌کنی که میادا موقع خواب لگتت شست پای این یکی بود در چشم آن یکی، باز هم می‌گویند اجاره‌ها بالاست...

قبلا دست صاحبخانه مو نشانت که بکنند آن نمک هم ندارد، قدیم ترها پنجره را باز می‌کردی، یک حیاط خشک و خالی می‌دیدي با یک خورار رخت چرک اون گوشه ولی این پنجره‌ها باز می‌کنی چهار تا آدم می‌بینی با نمک لاکچری در واحد آذوری که در حال خوردن صبحانه هستند. آن هم در این دوره و زمانه که مردم به زود هم‌دیگر را می‌بینند...

تازه خانه را دربیستی می‌دهی دست مستاجر، یعنی وقت‌های استراحت و بیکاری...
-خُب! استراحت می‌کنم دیگه، غذا می‌خورم، اگر وقت بقیه میرم حومم، می‌خورم.
+آفرین! پس یعنی اوقات فراغت از گوشه‌استند، نمیکشید درسته؟!

- نا! اوقات فراغت گاهی لا‌نه‌ای بازی کردن با گوشه‌ها وجود میاد، دیگه که غذا می‌خورم و می‌خوریم و از این کار...
+آهان! شده مثلا سه روز به جای کار با گوشه کتاب بخونید؟
-کتاب؟! نا! نگاهی وقتی دارم با گوشه کار می‌کنم! آهنگم گوش میدم!

سر دبیر: بهزاد توفیق فر
دبیر تحریریه: فروغ زال
دبیر سروس شعر: زهرا فرحانی
دبیرسروس کارتون: کامران باری
دبیرفنی: امیر حسن محمدپور
صفحه‌بندی: مجتبی سالیاری

با ما پتماسید!

راه‌نامه: info@rahrahtanz.ir

سروش: tanzym.ir

ایده: tanzym.ir

بله: tanzym.ir

طنز